

## Designing a Model for Educating Professional Citizens in Education based on Data Theory

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Analytical Review

#### Aurhors

Tahereh Abbaszadeh Shahri<sup>1</sup>,  
Hamid Shafizadeh<sup>2\*</sup>,  
Nader Soleimani<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Tahereh Abbaszadeh Shahri, Hamid Shafizadeh, Nader Soleimani, Designing a Model for Educating Professional Citizens in Education based on Data Theory, Journal of Islamic Life Style Centered on Health. 2021;5(3):129-130.

1. PhD Student, Department of Educational Management, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.
2. Associate Professor, Department of Educational Management, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran (Corresponding Author).
3. Associate Professor, Department of Educational Management, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: shafizadeh11@gmail.com

#### Article History

Received: 2021/07/24

Accepted: 2021/10/07

### ABSTRACT

**Purpose:** The aim of this study was to design a professional citizen education model in education based on the data theory of the foundation.

**Materials and Methods:** The scientific model of this research is based on qualitative interviews with heads of education and scientific elites and the sampling method is both targeted and snowballs. Finally, referring to experts, 16 qualitative interviews were conducted and using grounded theory technique to identify the index. The training of professional citizens in education of Khorasan Razavi province was discussed. The necessity of each of the components of the extracted model for the training of professional citizens was investigated. The research was analyzed by coding method in three stages: open, axial and selective. Findings represent 6 main extraction codes and the codes are grouped in 14 sub-codes.

**Findings:** The results show that the most effective codes of each measure of citizenship social education strategy, evaluation of the performance of educational elements in the education system, have been the observance of educational standards.

**Conclusion:** The results of the present study showed that the three dimensions of knowledge, attitude and ability (skill) are the most important dimensions of citizenship education.

**Keywords:** Education, Citizen, Professional, Education System

## طراحی الگوی تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و

## پرورش بر اساس نظریه داده‌بنیاد

طاهره عباسزاده شهری<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

حمید شفیق‌زاده<sup>۲\*</sup>

دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول).

نادر سلیمانی<sup>۳</sup>

دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

## چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش بر اساس نظریه داده‌بنیاد انجام گرفت.

**مواد و روش‌ها:** الگوی علمی این پژوهش بر اساس مصاحبه کیفی صورت گرفته با رؤسای آموزش و پرورش و نخبگان علمی و روش نمونه‌گیری به دو صورت هدفمند و گلوله برفی می‌باشد و در نهایت با مراجعه به خبرگان، ۱۶ مصاحبه کیفی صورت گرفت و با استفاده از تکنیک گرنند تئوری به شناسایی شاخص‌های تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش استان خراسان رضوی پرداخته شد. ضرورت هر یک از مؤلفه‌های مدل استخراج شده برای تربیت شهروند حرفه‌ای بررسی شد، پژوهش با روش کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی تحلیل شد. یافته‌ها بیانگر ۶ کد اصلی استخراج و کدها در ۱۴ کد فرعی گروه‌بندی شده‌اند.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرگذارترین کدهای هر معیار راهبردهای تربیت اجتماعی شهروندی، ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی در نظام آموزش و پرورش، رعایت استانداردهای آموزشی بوده است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سه بعد دانشی، نگرشی و توانشی (مهارتی) مهم‌ترین ابعاد تربیت شهروندی هستند.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت، شهروند، حرفه‌ای، نظام آموزش و پرورش.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

\*نویسنده مسئول: shafizadeh11@gmail.com

## مقدمه

طرح مسأله پژوهش حاضر از دو دیدگاه: تئوریک؛ که به نقد مبانی آموزشی و پژوهشی می‌پردازد و کاربردی؛ که اثرات، معایب، ضرورت‌ها و فواید نتایج حاصل از این پژوهش و نقش آن را در آموزش و پرورش و جامعه را در نظر می‌گیرد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دیدگاه تئوریک: امروزه تربیت شهروندان خوب یکی از مهم‌ترین وظایف نظام‌های رسمی آموزش و پرورش کشورهاست. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مسؤولان تعلیم و تربیت با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروندی مناسب را در صدر اقدام‌ها و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. تربیت شهروندی از زمینه‌هایی است که در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و دامنه مباحث و پژوهش‌های آن به‌طور فزاینده‌ای گسترش یافته است (۱). تربیت شهروندی، به مقررات صریح جوامع جهت تلقین ارزش‌های مدنی از طریق تعلیم و تربیت رسمی اشاره دارد. طی سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی در گوشه و کنار جهان، توجه زیادی به آموزش شهروندی نشان داده و اقدامات اصلاحی زیادی را در این باب انجام داده‌اند (۲). امروزه متولیان تعلیم و تربیت جوامع برآنند تا از طریق تربیت شهروند حرفه‌ای، دانش و مهارت ایفای نقش مؤثر در جامعه محلی، ملی و حتی جهانی را به دانش‌آموزان بیاموزند تا آن‌ها ضمن اطلاع از حقوق متقابل خود و جامعه، شهروندانی مسؤولیت‌پذیر و متفکر باشند (۳). تربیت شهروندی به تمامی جنبه‌های زندگی مدرسه توجه می‌کند و شامل تمامی کودکان، معلمان، اعضای اداری و همه کسانی می‌شود که می‌توانند نقشی در اداره مدرسه داشته باشند. در این برنامه هم‌چنین والدین، ذی‌نفعان، افراد جامعه محلی و اعضای سازمان‌های آزاد هر کدام به نحوی در برنامه تربیت شهروندی مشارکت دارند و ایفای نقش می‌کنند؛ بنابراین، برنامه تربیت شهروندی مستلزم آن است که کودکان از خلال عمل فعال در زندگی روزمره و اجتماعی محلی آموزش ببینند. این امر در بسیاری از مواقع چالش‌هایی را ایجاد می‌کند، از قبیل آن که اجتماعات محلی برای چنین مشارکت مشارکتی فعال آمادگی ندارند؛ بنابراین، دانش‌آموزان فرصت لازم را برای تلفیق آموزش‌های شهروندی با زندگی واقعی خود به‌دست نمی‌آورند (۴).

دیدگاه کاربردی: نظام آموزش و پرورش هر جامعه نیز از آن‌رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزش‌های اجتماعی تربیت کند و تحویل جامعه دهد. در حقیقت؛ وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتوانند برای رشد و شکوفایی جامعه مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کنند. از این‌رو، نظام آموزشی مردم-سالار، در صدد تربیت نسلی است که بتواند در دنیای پیچیده کنونی، هم بر سرمایه دانش خود بیافزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش‌پذیری خود، در ایجاد فضای گروهی که مسؤولیت چندجانبه و جمعی به بار می‌آورد، کوشش کند. در چنین جامعه‌ای، از دانش‌آموزان به‌عنوان شهروندان آینده‌ساز جامعه، انتظار می‌رود که با هم برای درک چالش‌های جهان پیرامون تلاش کرده، چشم‌انداز مشترکی بسازند که آن‌ها را قادر سازد از یکدیگر بیاموزند و در حالی که واقعیت تکنرگرایی را حفظ می‌کند بر خود حکومت کنند (۵). یکی از مسائل مهمی که در رابطه با مفهوم شهروند و شهروندی وجود دارد این است که چگونه می‌توان آن را تعلیم و آموزش داد تا بر اساس آن شاهد اجرای صحیح آن در جامعه و شناخت وظایف و تکالیف مبتنی بر آن بود. در این رابطه صاحب‌نظران مدرسه را بهترین مکان برای آموزش و تعلیم این مقوله می‌دانند. آنها معتقدند چون مدرسه بعد از خانه دومین محیطی است که کودکان و نوجوانان قسمت اعظم وقت خود را در آن سپری می‌کنند و نقش مهمی در رشد شخصیت و انتقال دانش و مهارت‌های زندگی به آنها دارد، در نتیجه آشنایی

اجتماعی، سیاسی و فنی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را به آموزش شیوه‌های زندگی کردن با یکدیگر به‌طور خاص در یک جامعه و به‌طور عام در جامعه جهانی اطلاق کرد. اصولاً بدون داشتن تصویر و توصیف روشنی از فرایند تربیت شهروندی در هر جامعه نمی‌توان به تدریس اهداف، اصول، روش‌ها و مراحل تربیت ناظر بر وضع مهیاسازی افراد به‌عنوان شهروندان مورد پسند جامعه پرداخت. در دو دهه اخیر نگاه ویژه تربیت برای شهروند حرفه‌ای این عرصه را دچار تحول نموده است و بازنگری همه‌جانبه برنامه‌های درسی و عناصر آن در سطوح مختلف را ضروری ساخته است. در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای در حال توسعه، برنامه‌های تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین شهروند حرفه‌ای به مشارکت فعال در جامعه و اعمال حقوق شهری، سیاسی، اجتماعی از طریق مشارکت فعال در سطح ملی و بین‌المللی دلالت دارد که این خود در برگیرنده دانش و فهم از حقوق ساختارها و رویه‌های دموکراتیک و اجتناب از اعمال تبعیض‌آمیز برای افراد و گروه‌های خاص است. مشارکت شهروندان در امور جامعه یکی از ارکان اساسی جوامع مردم‌سالار و مدنی است چرا که شهروندی در یک جامعه مدنی اول از همه با مشارکت حرفه‌ای در مسائل عمومی مشخص می‌شود. نبودن الگوی نظری مناسب با ویژگی‌های دینی و فرهنگی کشورمان به‌گونه‌ای جدی مورد توجه نظام آموزش و پرورش نبوده است و نمود آن را نیز در عدم تناسب برنامه‌های آموزشی و درسی نظام آموزش و پرورش با بسیاری از نیازهای جدید به‌ویژه نیازهای مربوط به مهارت‌های شهروندی و مهارت‌های زندگی می‌توان مشاهده کرد. با توجه به مطالبی بیان شده مسأله اصلی این است که چگونه می‌توان طراحی مدل مناسب در جهت تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش خراسان رضوی داشت.

شهروندی و تربیت شهروندی مفاهیمی پیچیده و گاه متضاد است. اسکان و لاسون نیز به این نکته اشاره نموده‌اند که در ادبیات اجتماعی و سیاسی معنا و مفهوم واحدی از شهروندی و تربیت شهروندی وجود ندارند. پلیس و هالگارتن نیز این ابهام را مورد اشاره قرار داده‌اند که ادبیات پژوهشی در حوزه شهروندی و تربیت شهروندی؛ تعریف، مقصد و نتایج آن هنوز سؤال‌های زیادی وجود دارد (۱۱).

انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در گزارش پژوهشی خود به‌عنوان «مطالعات بین‌المللی تربیت مدنی و شهروندی» در تعاریف و آژه‌های کلیدی مورد پژوهش: شهروندی را با دو مؤلفه ۱- جایگاه قانونی از یک شهروند بودن. ۲- واقعیت مشارکت افراد یا فقدان مشارکت آن‌ها در اجتماع، مورد اشاره قرار می‌دهد. در تعریف مدنیت نیز آورده شده است که مدنیت به هر اجتماعی اشاره دارد که ارتباطات مشترک میان افراد آن در سطحی بالاتر از خانواده می‌باشد.

بانکز در بحث از ظرافت‌های مفهومی شهروندی و تربیت شهروندی به بیانات مارشال «جامعه‌شناس انگلیسی» اشاره می‌نماید که با نگاه تاریخی عناصر و مؤلفه‌های شهروندی را ترسیم می‌نماید. مارشال به ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندی اشاره می‌نماید. شهروندی مدنی یعنی حقوق فرد برای صحبت، عقیده، ایمان و دارایی که در قرن هجده در انگلستان مطرح شد. یعنی زمانی که نظام سیاسی سرمایه‌داری، حفاظت از دارایی، عدالت و آزادی‌های مدنی را مدنظر قرار داد. جنبه سیاسی شهروندی که در قرن نوزدهم مطرح بود که به واسطه آن به شهروندان فرصت و امکان مشارکت سیاسی داده شد و جنبه اجتماعی که در قرن بیستم مطرح شد و به واسطه آن به شهروندان فرصت و امکان مشارکت فعال و کامل در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی برآوردن نیازهای همه‌جانبه به‌خصوص تعلیم و تربیت و سلامت و بهداشت داده شد. مارشال این سه جنبه از شهروندی را مکمل یکدیگر تلقی

با شهروند و شهروندی نیز از جمله مهارت‌هایی است که در مدرسه باید آموزش داده شود و دانش‌آموزان رده‌های مختلف تحصیلی باید حقوق، تکالیف و مسؤولیت‌های شهروندی را در مدرسه فرا بگیرند. به‌عبارت دیگر گنجاندن مطالب مهم و ضروری در مورد حقوق شهروندی بر اساس اصول و قواعد در برنامه درسی و کاربردی ساختن آنها توسط نظام آموزش و پرورش حاکم بر هر کشوری، افراد متعهد و مسؤول و آگاه را پرورش خواهد داد که خواهند توانست نظام نماینده - شهروند را (که نظامی عادل و قانونمند است) بنا نهند؛ نظامی که افراد جامعه در آن حق آزادی، حق مشارکت، حق انتخاب و غیره را داشته باشند. برخی از صاحب‌نظران نیز ضرورت آموزش شهروندی را پرورش قابلیت‌هایی در فرد که با افراد دیگر جامعه هم‌زیستی اجتماعی سالمی پیدا کنند، می‌دانند. در واقع فرد با آموزش‌هایی که در زمینه حقوق شهروندی از طریق نظام آموزشی و مدارس دریافت می‌کند به فردی مستقل که دارای حس مسؤولیت‌های اخلاقی و اجتماعی رشد یافته‌ای باشد، تبدیل و عضو سودمندی برای جامعه شود. طرح مفهوم شهروند جهانی، انتظارات جدیدی را از آموزش به ویژه آموزش و پرورش برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف نمایان می‌سازد. قصد آموزش و پرورش تربیت نیروی انسانی کارآمد برای نیازهای جامعه‌ای است که بازار کار، مؤسسات و نهادهایش روز به روز تحت تأثیر جریان‌های متحول-کننده ناشی از جهانی‌شدن قرار دارند؛ این امر در گرو لحاظ کردن مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های لازم برای پاسخ دادن منطقی و مناسب به این الزامات است (۶).

هزاره سوم میلادی در شرایطی آغاز شده است که جامعه جهانی همچنان با چالش‌هایی جدی در زمینه دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی روبه‌رو است. موارد متعدد نقض حقوق بشر در هزاره سوم میلادی موجب شده است که دولت‌های جهان به فکر یافتن راه‌حلی به‌منظور جلوگیری از وقوع چنین پیشامدهایی باشند (۷). ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مبنای تحقق صلح و امنیت در جهان معرفی می‌کند. یکی از بهترین راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن ارزش‌ها و اصول حقوق بشر است که به‌منظور تحقق یافتن آن آموزش حقوق بشر ضروری است. لازم است این حقوق را به شهروندان خود بشناسانیم تا در اجتماع به‌گونه‌ای رفتار کنند که حقوق بشر رعایت شود و به-علاوه مدافع حقوق بشر نیز باشند. سیاست‌گذاران بین‌المللی و ملی متفق‌القول به این نتیجه رسیده‌اند که علاج آموزش حقوق بشر در نظام آموزشی است (۸). اجماع فزاینده‌ای وجود دارد که آموزش برای حقوق بشر و در چارچوب حقوق بشر یک امر اساسی است و می‌تواند به کاهش نقض حقوق بشر و ایجاد جوامعی آزاد، عدالت‌محور و صلح‌طلب کمک نماید. همچنین، آموزش حقوق بشر به‌طور فزاینده‌ای به‌منابه راهبردی مؤثر برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های حقوق بشری شناخته شده است (۹). ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، برخورداری از آموزش و پرورش را در جهت رشد شخصیت انسانی، حتی همگانی می‌داند و برقراری آموزش و پرورش رایگان را در حد تعلیمات ابتدایی خواستار است (۱۰). قطعاً برای تحقق چنین هدفی هر دولتی باید مصمم به ایجاد تغییرات مشخص در نحوه آموزش و همچنین ایجاد حساسیت نسبت به رعایت حقوق بشر در درون ساختارها و مؤسسات دولتی گردد؛ اما باید خاطر نشان ساخت که یک‌یک افراد جامعه نیز در این راستا مسؤولیتی خطیر دارند. با توجه به نقش انکارناپذیر آموزش در ایجاد فرهنگ حقوق بشری، و همچنین ضرورت آموزش متناسب و اصولی حقوق بشر با استفاده از روش‌های نوین و جذاب برای دانش‌آموزان و در نتیجه تربیت شهروندانی مسؤولیت‌پذیر و آگاه به حقوق خود و دیگران. از این‌رو مفهوم تربیت شهروند حرفه‌ای مفهومی است کلی که به مطالعات فرهنگی،

می‌نماید و بر این باور بود که تاکنون هیچ کدام از جنبه‌ها به صورت کامل آن مورد توجه قرار نگرفته و حاصل نشده است (۱۲).

تربیت شهروندی تدارک فرصت‌هایی برای اشتغال دانش‌آموزان در تجارب معنادار یادگیری است به گونه‌ای که به تسهیل رشد آن‌ها به‌عنوان افراد متعدد و فعال اجتماعی و سیاسی بیانجامد (۱۳). بر این اساس تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش و توانش و نگرش‌هایی دارد که فرد را در تعامل مؤثر و مطلوب با افراد دیگر و دولت‌ها یاری می‌رساند.

تربیت شهروندی جهت‌گیری‌ها یا رویکردهای مختلفی را شامل می‌شود. رویکردهای تربیت شهروندی را می‌توان به دو دسته کلی رویکردهای محافظه‌کارانه و پیشرفت‌گرا تقسیم نمود. به عبارتی تربیت شهروندی می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ و مراقبت از وضع موجود (محافظه‌کارانه) و یا اینکه برای توانمند نمودن افراد جهت پیکار و تلاش برای تغییرات تعالی بخش (پیشرفت‌گرا) به کار رود. سیرز و همکاران نیز به این تقسیم‌بندی اشاره نموده‌اند، دسته‌بندی آن‌ها به‌صورت زیر آورده شده است: ۱. رویکرد منفعل و محافظه‌کار که تأکید بر اجتماعی کردن و آماده کردن افراد برای خدمت به دولت ملی و تابعیت مؤثر دارد. ۲. رویکرد فعال که تأکید بر تعامل با مسائل مهم روز و مشارکت در شکل‌دهی و اصلاح جامعه در سطح محلی، ملی و حتی جهانی دارد (۱۴).

رویکردهای محافظه‌کار در تربیت شهروندی اولویت ویژه‌ای به بازنمایی فرهنگ و بازنمایی نظم اجتماعی، اقتصادی موجود می‌دهند. مقصود مشترک آن‌ها اتقای حس وفاداری ملی، فرمان‌برداری از اقتدار و قدرت، خدمت داوطلبانه و ارادی و جذب و یکسان‌سازی افراد جامعه و مهاجران دارد. از این منظر تربیت شهروندی بایستی ساختار موجود اجتماعی را بپذیرد، ویژگی‌های اخلاق را توسعه دهد و اتحاد و نظم اجتماعی را تضمین نماید (۳).

رویکرد پیشرفت‌گرا در تربیت شهروندی تأکید ویژه‌ای بر تحولات اجتماعی و عدالت اجتماعی دارد. مقصود مشترک مدل‌های موجود در این رویکرد؛ تربیت شهروند جهانی، تحلیل‌گر انتقادی، مشارکت جوی سیاسی، حامی تعامل فرهنگی، و فرد آگاه است. تربیت شهروندی بایستی اساساً نگران تعالی‌بخشی باشد که به‌واسطه آن شهروندان فعال و آگاه و پرسشگر بتوانند به‌طور مؤثر در زندگی مدنی خود مشارکت نمایند. از این دیدگاه تربیت شهروندی بایستی جنسیت، نژاد، ساختارهای طبقاتی را مورد تحلیل و نقد قرار دهد و به توسعه عدالت اجتماعی و احترام به تنوع یاری رساند. شهروند خوب در این رویکرد فردی: مهربان، آگاه سیاسی، دل‌پس عدالت اجتماعی و محیط زیست، صبور و با مدارا در مقابل دیگران، امیدوار، قادر و طالب به گفتگو، مشارکت جوی فعال در زندگی اجتماعی است (۱۵).

با توجه به مطالب بیان‌شده تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، یزدانی و همکاران به بررسی ارائه الگویی برای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش ابتدایی کشور پرداختند. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا آمیخته (کیفی و کمی) بود. جامعه آماری در بخش کیفی خبرگان آموزش و پرورش و در بخش کمی معلمان مدارس ابتدایی کشور (۳۵۸۰۰۰ نفر) بودند. حجم نمونه در بخش کیفی با استفاده از اصل اشباع نظری ۱۰ نفر تعیین که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران ۸۴۰ نفر تعیین که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. نتیجه این که اسلام و پراگماتیسم دارای وجوه افتراق هستند. اما مشابهت‌های آنان در زمینه تعلیم و تربیت و از جمله تربیت شهروندی بیشتر است. جهان و همکاران به بررسی پژوهش حاضر با هدف ارائه‌ی مدل شایستگی دانش‌آموزان تربیت اسلامی پرداختند، بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی از نظر متخصصان حوزه برنامه

درسی انجام شده است، روش پژوهش کیفی و شامل تحلیل اسنادی و روش داده‌بنیاد است (۱۵). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سه بعد دانشی، نگرشی و توانشی (مهارتی) مهم‌ترین ابعاد تربیت شهروندی هستند و هرکدام از این ابعاد دارای مؤلفه‌های ویژه‌ای است. بعد دانش دارای ۱۶ فراوانی و ۲۸۰۰۷ درصد شامل مؤلفه‌های دانش عمومی و تخصصی، دانایی محوری، استقلال ذهنی، تفکر و تدبیر و تعمق، برنامه‌ریزی، پرسش و پاسخ و مشارکت در بحث، توسعه علمی، ترویج دانش، توانایی محاسبات، توانایی گفتگو، سواد رسانه‌ای، شناخت محیط اطراف و هدف‌داری، بعد نگرش با ۲۰ فراوانی و ۳۵/۰۸ درصد فراوانی شامل: احترام به قانون و مقررات، عدالت‌خواهی و آزادی خواهی، توجه به فرهنگی ملی، پذیرش تنوع تفکرات، مسؤلیت‌پذیری، صداقت، شجاعت و جسارت، ادب و نزاکت، بخشش، انصاف داشتن، دیگرخواهی، عیب‌پوشی، صلح‌طلبی، دور اندیشی، وفاداری، امنیت‌خواهی، خوش‌خلقی و خوش‌رویی، صمیمی بودن و داشتن مهارت هم‌دلی، و بعد توانش با ۲۱ فراوانی و ۳۶/۸۴ درصد فراوانی شامل: مشارکت در امور، خودکنترلی، صبر کردن، امانت‌داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت‌شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال، برقراری ارتباط، حل مسأله، رعایت اصول بهداشتی، مهارت تصمیم‌گیری و معاشرت با دیگران به‌ترتیب کمترین و بیشترین کد مفهومی را به خود اختصاص دادند. بر اساس این مؤلفه‌ها مدل مطلوب تربیت شهروند اسلامی ارائه شده است. توجه به نتایج پژوهش آموزش و پرورش را در مسیر تربیت شهروندی دانش‌آموزان کمک خواهد نمود. یزدانی و همکاران (۱۶) به بررسی شناسایی و سنجش وضعیت پیش‌آیندها و پس‌آیندهای تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام آموزشی کشور: ارائه یک مدل سیستمی پرداختند، نتایج نشان داد که عوامل مؤثر در تربیت شهروندی را می‌توان در سه دسته درون‌داد، فرایند و برون‌داد دسته‌بندی کرد. عوامل درون‌داد شامل: اهداف و فلسفه تربیت، فناوری و تجهیزات آموزشی، نیروی انسانی، معیارهای ارزیابی، استانداردها و منابع آموزشی؛ عوامل فرایند شامل مؤلفه‌هایی مانند: روش‌های تربیت، پداگوژی، محتوای آموزش و فرایندهای آموزش و کارکردهای پنهان تربیت است و عوامل برون‌داد، یعنی شهروند حرفه‌ای شامل: شناخت، توانایی و نگرش مدنی است. بر اساس مؤلفه‌های شناسایی شده مدل شهروند حرفه‌ای ارائه شد و برآزش آن با استفاده از شاخص‌های مطلق، نسبی و تعدیل یافته مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج حاکی از برآزش آن داشت: همچنین نتایج نشان داد که وضعیت تمام مؤلفه‌های شناسایی شده در بین معلمان ابتدایی در حد مطلوب بود. سینسر و همکاران (۱۷) آموزش تنوع در آموزش شهروندی: درک و عمل معلم مرتبط با موضوع پرداختند. بسیاری از مدارس متوسطه تنوع را به‌عنوان یک جنبه از آموزش شهروندی معرفی می‌کنند. این مقاله به بررسی چگونگی درک و تدریس معلمان در مورد تدریس تنوع در ارتباط با عوامل محیطی مدرسه، مانند ترکیب دانش‌آموز و مسیر آموزشی پرداخت. مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با ۱۷ معلم در سه مدرسه نشان داد که درک معلمان و شیوه‌های تنوع در ارتباط با درک آن‌ها از نیازها و توانایی‌های دانش‌جویان است. با این حال، معلمان به ندرت به تنوع در روابط عمیق ریشه‌دار، مانند نابرابری و روابط قدرت می‌اندیشند. بروس و همکاران در پژوهشی به دیدگاه معلمان در مورد تربیت شهروندی و پیامدهای آموزش شهروند جهانی پرداختند. هدف از این پژوهش، بررسی تعالیم معلمان پیش‌دبستانی شهروندی جهانی با تمرکز ویژه بر تنوع فرهنگی است. معلمان پیش‌دبستانی در مصاحبه‌ها شرکت کردند و یافته‌ها نشان دادند که دیدگاه آن‌ها در مورد ایده شهروند نامعلوم بوده است، به‌دنبال هماهنگی و تمایل به همسان‌سازی در روابط بوده‌اند و دیدگاه‌های قوم‌گرایانه، پدرسالاری و رستگاری در مورد "دیگر" قبول دارند (۱۸). بونی و

می‌دادند که از سوابق اجرایی در سطوح تصمیم‌گیری برخوردار بوده و به اصطلاح "نخبگان آگاه" نام دارند. این گروه برای انجام بخش کیفی پژوهش انتخاب شدند و در فرایند مصاحبه از ۶ نفر شروع شده تا زمانی به حد اشباع داده‌ها دست یافتیم و در نهایت ۱۶ نفر از خبرگان در این پژوهش همکاری کردند، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، از گزند تئوری استفاده شده است. در این طرح مراحل تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده و در دو مرحله کدگذاری باز، و کدگذاری محوری انجام شده است.

#### یافته‌ها

در بخش کیفی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس گزند تئوری اقدام شد. ابتدا نکات کلیدی مربوط به هر مصاحبه نیمه-ساختار یافته، از طریق گوش دادن به مصاحبه ضبط شده و مطالعه یادداشت‌برداری‌های حین مصاحبه به صورت مکتوب علامت-گذاری شد، سپس نکات کلیدی و اساسی از داخل مصاحبه استخراج شد. در ادامه با دسته‌بندی نکات کلیدی در قالب اصطلاحات حرفه‌ای، برچسب‌گذاری لازم انجام شد و سپس اصطلاحات برچسب‌گذاری شده هر مصاحبه شونده در قالب جدول سازمان‌دهی و بر اساس ارتباط و تناسب که با هم داشتند در قالب ابعاد و مؤلفه‌ها دسته‌بندی شدند.

کدگذاری باز، فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در این مرحله، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را، به وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع‌آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع یا یادداشت‌های خودبنیان می‌گذارد (۲۱).

جدول کدگذاری باز که شامل دو قسمت است: جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها و جدول طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آن‌ها. کدگذاری اولیه: در این مرحله به همی نکات کلیدی مصاحبه‌ها، عنوانی داده می‌شود، سپس همی این عناوین را در جدول‌های زیر قرار دادیم. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات: در مرحله بعد، کدهای اولیه به علت تعداد فراوان آن‌ها به کدهای ثانویه تبدیل می‌شوند (کدهای اولیه در قالب طبقه‌های مشابه قرار می‌گیرند). چند کد ثانویه تبدیل به یک کد مفهومی می‌شود. در جدول زیر به عنوان نتایج کدگذاری باز بر اساس کد ثانویه، کدهای مفهومی و مقولات ارایه شده است.

کالابونینگ در پژوهشی به بررسی «آموزش و پرورش برای شهروندی جهانی در دانشگاه‌ها: توانایی‌های فضای یادگیری رسمی و غیر رسمی» پرداختند. این مقاله به بررسی تأثیر سه فضای مختلف یادگیری برای توسعه احساس شهروندی جهانی در میان دانشجویان پرداخت (۱۹). در مصاحبه‌ای که در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ در دانشگاه پلی‌تکنیک والنسیا (UPV) انجام شد. فضاهای مورد بررسی به دو گزینه اختصاص داده شده یکی به همکاری بین‌المللی و یک برنامه آموزش که عمدتاً در کشورهای آمریکای لاتین و یک گروه دانشگاهی تحت رهبری دانشجویان اختصاص داده شد. هر کدام از این مناطق دارای توانایی برای ارتقای شهروندی جهانی است. یافته‌های تحقیق نشان داد که محیط رسمی دانشگاه به نظر می‌رسد فضای خوبی برای توانایی یادگیری انتقادی هستند، در حالی که محیط غیر رسمی یک توانایی قوی برای توانایی‌های تخیل می‌باشد. فرایند جهان‌شمول بحرانی هر دو گروه محیط رسمی و غیر رسمی رخ داد. تاروگ در پژوهش خود با عنوان "آموزش شهروندی: پرورش استعداد انتقادی برای انجام ارزش‌های جهانی در سطح ملی"، مطرح می‌سازد که آموزش و پرورش به برنامه‌ای نیاز دارد که به آموزگاران آموزش می‌دهد تا چگونه از طریق گفتگو در کلاس درس حمایت و تقویت یک فرهنگ انتقادی را ایجاد کنند و شهروندی را تربیت کنند که توانایی استفاده از تخیل و تفکر انتقادی خود را برای همکاری در یک جامعه چند فرهنگی داشته باشد (۲۰).

#### مواد و روش‌ها

هدف اصلی این مرحله از پژوهش، بررسی و کاوش مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با الگوی تربیت شهروند حرفه‌ای بود. بنابراین در این مرحله به دنبال دستیابی به مؤلفه‌های تربیت شهروند حرفه‌ای از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته استفاده شده است. ضمن اینکه سؤال‌های فرعی دیگری نیز در کنار هر سؤال برای درک تجارب شرکت‌کنندگان در حین مصاحبه مطرح شده است. در بخش کیفی جهت گردآوری داده‌ها از دو ابزار فیش، و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته جهت شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروند حرفه‌ای استفاده شده، داده‌های کیفی لازم جمع‌آوری و با استفاده از روش گزند تئوری به مثابه تکنیکی پژوهشی، مفاهیم، مقوله‌ها و عوامل اصلی و فرعی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته است. این مفاهیم، عوامل و مقوله‌ها مبنای تدوین ابزار (پرسش‌نامه) برای دستیابی به عوامل مؤثر و شناخت ابعاد و مؤلفه‌های الگویی جهت تبیین تربیت شهروند حرفه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش را، رؤسای آموزش و پرورش و نخبگان جامعه علمی و متخصصان تشکیل

جدول ۱. مفاهیم استخراجی اولیه تربیت شهروند حرفه‌ای، کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی کدهای مفهومی و مقولات

بعد اصلی	مؤلفه‌های فرعی	مفاهیم استخراجی
		رعایت اخلاق در رویارویی با دیگران
		رعایت حقوق متقابل دانش‌آموزان و معلمان نسبت به یکدیگر و نسبت به اعضای جامعه
		یادگیری از طریق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی
	توسعه مشارکت اجتماعی	مشارکت دانش‌آموزان در مسائل مربوط به شرایط زندگی و دغدغه‌های اجتماع
		برقراری تعامل با سازمان‌های قضایی شهر
		آموزش حقوق شهروندی به دانش‌آموزان
		اجرای عدالت در موارد احقاق حقوق شهروندی
		آموزش احترام به آداب زندگی، عقاید و نظرات شهروندان
		رعایت شأن انسان و زندگی اجتماعی
		شناسایی مشکلات امور مدرسه متناسب با علایق و شایستگی‌های دانش‌آموزان
		آموزش مهارت‌ها و ارزش‌هایی که با ماهیت و شیوه‌های اداره (آموزش و پرورش) یک نظام مردم‌سالاری مشارکتی سازگاری دارد
		درگیر کردن افراد در فعالیت‌های مربوط به حوزه اجتماعی
راهبردهای تربیت اجتماعی شهروندی		

<p>شرکت دادن دانش‌آموزان و والدین آنها در مباحث مربوط به راهبردهای مدارس تشویق دانش‌آموزان به مشارکت در امور مدرسه و ایجاد انگیزه در بین دانش‌آموزان در راستای فعالیت‌های مشارکتی</p> <p>واگذاری مسؤلیت‌های مختلف به دانش‌آموزان در امور مرتبط با مدرسه و دادن اختیارات متناسب با دوره‌های تحصیلی</p> <p>استفاده از نقطه‌نظرات دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزشی و پرورش ایجاد حس اعتماد به نفس</p> <p>داشتن رفتار مسالمت‌آمیز و مسؤولانه نسبت به هم‌نوعان</p> <p>آموزش دانش‌مورد نیاز برای انتقال حس مفید بودن دانش‌آموزان به عنوان عضوی فعال از جامعه</p>	<p>شناساندن مسؤولیت پذیری اجتماعی</p>
<p>عدم حساسیت والدین نسبت به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان</p> <p>حفظ یگانگی و انسجام همه‌جانبه شهروندان</p> <p>آموزش شهروندان گرایش‌ها، دانش و معیارهای سیاسی برای انتقال به نسل‌های آینده</p> <p>تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه</p> <p>توجهی نسبت به فعالیت‌های فوق‌برنامه</p> <p>آگاهی شهروند از نظام سیاسی و باور به این نظام و نقش‌های آن</p> <p>فقر فرهنگی والدین</p>	<p>کنش‌های اجتماعی سیاسی</p>
<p>تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم</p> <p>گزینش جذب و آموزشی رهبران و کارگزاران سیاسی</p> <p>آشناسازی با فرهنگ سیاسی نوجوانان و پذیرش چنین فرهنگی</p> <p>هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه‌ی مطلوب</p> <p>شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب‌های اجتماعی و سیاسی</p> <p>جا انداختن فرهنگ تحزب‌گرایی و تمرین مشارکت در اداره‌ی امور مدرسه و جامعه</p> <p>جهت‌گیری عاطفی یا احساسات شهروندان نسبت به نظام سیاسی</p> <p>داوطلب به شرکت در انجمن‌های مختلف</p> <p>استفاده از تجهیزات مطابق با استانداردهای جهانی در سطح مدرسه</p> <p>اردوهای تربیتی فرصتی آزادانه برای یادگیری فنون شهروندی</p> <p>اقدام به تغییر تجهیزات در مواقع لزوم</p> <p>بسترسازی مناسب برای پیاده‌سازی اصول اخلاقی در طراحی فضای آموزشی</p> <p>ایجاد زمینه درونی برای تفکر با فراهم‌سازی آرامش در محیط</p> <p>زمینه‌ساز تأمین نیازهای فردی و جمعی دانش‌آموزان،</p> <p>تجهیزات متناسب الزامات برنامه درسی</p>	<p>فضاهای آموزشی و تربیتی</p>
<p>امکان دسترسی آسان به محیطی ایمن، با نشاط، شاداب، دوست‌داشتنی، دوست‌دار محیط زیست</p> <p>فضای فیزیکی دانش‌آموزان در فضاهای آموزشی، تربیتی و ورزشی منطبق با استانداردهای جهانی</p> <p>توانایی به کارگیری تجهیزات فنی توسط معلمان</p> <p>موجود بودن تجهیزات فناورانه در مدرسه به اندازه کافی</p> <p>انطباق نوع فناوری و تجهیزات وابسته به آن با سطح معلمان</p> <p>جامع‌نگری در طراحی در پاسخ‌گویی به نیاز مریبان</p> <p>محدود نبودن امکان استفاده از تجهیزات فناورانه توسط معلمان</p> <p>یادگیری استفاده از تجهیزات و فناوری بدون محدودیت</p> <p>امکان دسترسی به تجهیزات و فناوری حتی بیرون از مدرسه</p> <p>استفاده از فناوری حتی در بیرون از نهاد آموزش و پرورش</p> <p>عدم پیچیدگی بهره‌برداری از تجهیزات در هر کلاس درس</p> <p>یادگیری اطلاعاتی در مورد درباره زندگی شهروندی</p> <p>یادگیری توانایی عمل و فضای مجازی</p> <p>یادگیری خودآموزی و خود‌هدایتی</p> <p>یادگیری تسلط بر رایانه و استفاده از اینترنت</p> <p>شناخت کشورهای دیگر و آگاهی از فرهنگ آن‌ها</p> <p>شناخت مسایل مرتبط با حقوق بشر</p> <p>درک روابط انسان و محیط زیست</p> <p>توانایی دیدن مسائل و نحوه برخورد آن‌ها به عنوان یک شهروند جامعه جهانی</p>	<p>بهره‌وری از فناوریهای نوین در فضای آموزشی</p> <p>سهولت در ارائه تجهیزات فناورانه</p>

توانایی کار کردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسؤلیت در نقش یا وظیفه	منابع انسانی	دانش و نگرش جهانی
توانایی درک، پذیرش و تحمل تفاوت‌های فرهنگی		
توانایی تفکر به صورت انتقادی و سازمان یافته		
تمایل به حل تعارضات خود با دیگران به روش‌های مسالمت‌جویانه		
تمایل به حساس شدن حقوق بشر و دفاع از آن		
تمایل به توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی		
تمایل به تغییرات زندگی و عادت مصرف به منظور محیط زیست		
داشتن چشم‌اندازی سازگارتر با آینده		
توانایی تصور شقوق مختلف آینده		
دارای مهارت‌های فکری انتقادی و تصمیم‌سازی خلاقانه		
شهروندی فعال در جامعه بودن		
آزادی مطبوعات		
آزادی انتخابات		
برابری اجتماعی		
تأمین حقوق برای همه بدون توجه به مذهب، نژاد، جنس		
محدودیت قدرت برای رهبران		
جلوگیری از اعمال نفوذ ثروتمندان در ساختارهای حکومتی		
جلوگیری از اعمال نفوذ رهبران برای واگذاری مشاغل حکومتی به بستگان		
مشارکت در امور سیاسی		
مشارکت افراد در انجمن‌های سنتی مدنی	کسب دانش	
مشارکت آگاهانه افراد در همایش‌های عمومی		
مسئولیت‌پذیری اخلاقی مدیران		
انجام کلیه فعالیت در چارچوب قانون		
ایجاد ظرفیت برابر برای اکثریت افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌ها		
برابر در نظر گرفتن شهروندان در برابر قانون		
مسئولیت‌پذیری اجتماعی		
داشتن سواد سیاسی		
جست‌وجوی دانایی		
اعتقاد به ارزش‌های اصلی جامعه مانند تساوی و برابری		
یادگیری اطلاعاتی در مورد درباره زندگی شهروندی	فلسفه و روش تفکر	
مهارت در تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارتباطات سیاسی، فلسفه اصلی تربیت شهروندی		
میزان آگاهی فراگیران در زمینه شهروندی مطلوب		
آگاهی یافتن از مناسبات مدنی و اجتماعی		
آگاهی‌ها را درباره آداب و رسوم، قوانین و مقررات، و مهارت‌های اجتماعی		
ایجاد فرصت‌هایی برای کسب تجربه و به دست آوردن دانش		
توانایی ارزیابی محیط و رفتارها		
رشد هویت جمعی و بهبود مناسبات شهروندی		
تبدیل مکان‌های آموزشی به مکان پژوهش و کوشش برای اندیشه		
رشد امنیت و عزت نفس و اعتماد متقابل		
فهم و پذیرش دیدگاه‌های مختلف	ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی در نظام آموزش و پرورش	
بررسی نظرها و ایده‌های مخالف		
ایجاد تغییر به منظور بهبود نحوه تفکر		
مشارکت در حیات سیاسی و مدنی		
ایجاد احساس عدالت و برابری در جامعه		
فضای مناسب اخلاق عمومی در جامعه و رضایت از عملکرد مسئولان		
رعایت انضباط اجتماعی		
عهد درونی نسبت به انجام شغل و وظائف محوله و احساس مسؤلیت در قبال دیگران		
دستیابی به فرهنگ شهری و نیز آگاهی از حقوق شهروندی و ارتباط بین آنها		
ارزیابی و ارزش‌گذاری متغیرهای شخصیت‌دهنده به مکان‌های مردمی و تأثیرگذار در تعاملات اجتماعی		
کسب صلاحیت لازم برای مشارکت مدنی	تعاملات اجتماعی	
تقویت اخلاق اجتماعی و بسط هم‌بستگی اجتماعی		
برنامه‌های آموزش ضمن خدمت به نام آموزش شهروندی به صورت جداگانه		
اختصاص زمان اضافی آموزشی به موضوعات درسی مدون		

انتخاب و سازماندهی منابع اطلاعاتی	الگوی مبتنی بر موضوعات درسی مدون به عنوان منبع اطلاعاتی	رعایت استانداردهای آموزشی
وسعت و توالی منطقی موضوعات		
تهیه منابع و ابزار یادگیری بر مبنای ارائه محتوا در غایت سازمان یافتگی به دانش آموز		
اهداف غالباً در فرم رفتاری و در ارتباط با محتوای برنامه عنوان شده و معمولاً مربوط به حوزه شناختی باشد		
تأکید بر طرح برنامه درسی مبتنی بر موضوعات مجزا بر سازمان منطقی بخشیدن به محتوای هریک از موضوعات برنامه		
طراحی محتوای آموزشی اضافی بر اساس اصول شهروند حرفه‌ای		
تلفیق مباحث شهروندی با دروس نزدیک		
ایجاد احساس مشترک در بین فراگیران		
ایجاد وحدت در بین حوزه‌های مختلف دانش بشری		
بهبود سیستم‌های ارتباطی و بالاخره تعیین و تبیین سیاست‌های کشوری	آموزش از طریق برنامه های تلفیقی	
تلفیق مباحث شهروندی با دروس مرتبط به یکدیگر		
رویکرد تلفیقی یا برنامه جامع برای ایجاد مهارت‌های فراشناختی		
اضافه کردن محتوای مبتنی بر شهروند حرفه‌ای در برنامه آموزشی ضمن خدمت و به صورت جزوات مکمل درسی		
توجه به تسهیم دانش در بین واحدهای سازمانی توسط مدیران		
برنامه‌های آموزش ضمن خدمت در راستای مؤلفه‌های تربیت شهروندی		
پشتیبانی سازمانی توسط مدیران		
حمایت مدیران برای تولید محتوای مناسب و مطلوب	عوامل سازمانی	
پاسخ‌گویی دانش محور مدیران به مراجعان		
همکاری دانش محور مدیران با سازمان‌های دیگر		
اجرای عدالت در آموزش در سراسر نظام آموزشی		
یادگیری ضمنی در محیط خانواده و گروه هم‌سالان		
یادگیری از طریق رسانه های جمعی و عمومی		
جو تربیتی اجتماع و تأثیرات آموزش ضمنی بر یادگیری		
ایجاد محیطی صمیمانه برای تبادل اطلاعات	محیط داخلی سازمانی	
ابتکار و خلاقیت در کارهای اجرایی نظام آموزشی	یادگیری و آموزش	
آموزش به معلمان در جهت تعامل با دانش آموزان		
علاقه‌مندی نسبت به محیط دانشی سازمان		
احترام مدیریت برای نظرات به روز سایر افراد		

پس از تعیین مقولات، مرحله ساخت طبقات اصلی نظریه است که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. شکل‌دهی طبقات کلی از مقولات

مؤلفه‌های فرعی	بعد اصلی
توسعه مشارکت‌های اجتماعی	راهبردهای تربیت اجتماعی شهروندی
شناساندن مسؤلیت‌پذیری اجتماعی	
کنش اجتماعی و سیاسی	بهره‌وری از فناوری های نوین فضای آموزشی
فضای آموزشی و تربیتی	
سهولت در ارائه تجهیزات فناورانه	منابع انسانی
دانش و نگرش جهانی	
دانش و نگرش دموکراتیک	ارزیابی عملکرد عناصر آموزشی در نظام آموزش و پرورش
فلسفه و روش تفکر	
کسب دانش	
تعاملات اجتماعی	رعایت استانداردهای آموزشی
الگوی مبتنی بر موضوعات درسی مدون به عنوان منبع اطلاعاتی	
آموزش از طریق برنامه‌های تلفیقی	
عوامل سازمانی	محیط داخلی سازمان
یادگیری و آموزش	

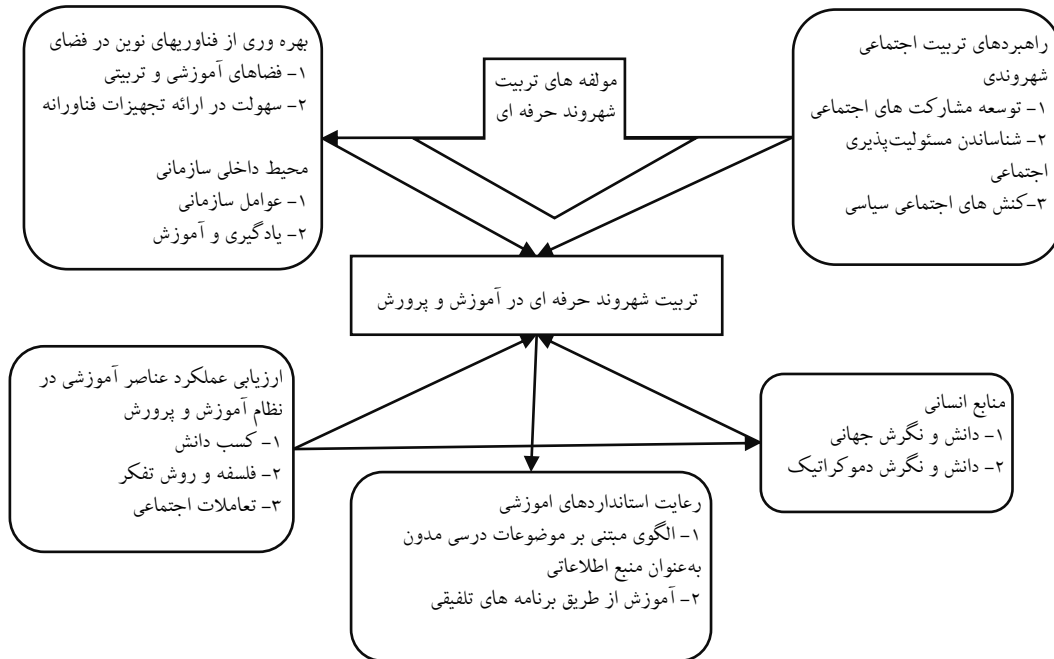
«محور» یک مقوله تحقق می‌یابد (۲۱). در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز، تدوین شده و سر جای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد

کدگذاری محوری، فرآیند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها، و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل «محوری» نامیده شده است که کدگذاری حول



که چگونگی ربط آن‌ها به هم‌دیگر را مطرح می‌کنند. جستجوی سرخ‌هایی در داده‌ها که بر چگونگی ربط-دهی‌های ممکن مقوله-های اصلی به هم دلالت دارد. اساس فرآیند ارتباطدهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از طبقه‌ها قرار دارد. نمودار زیر صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد.

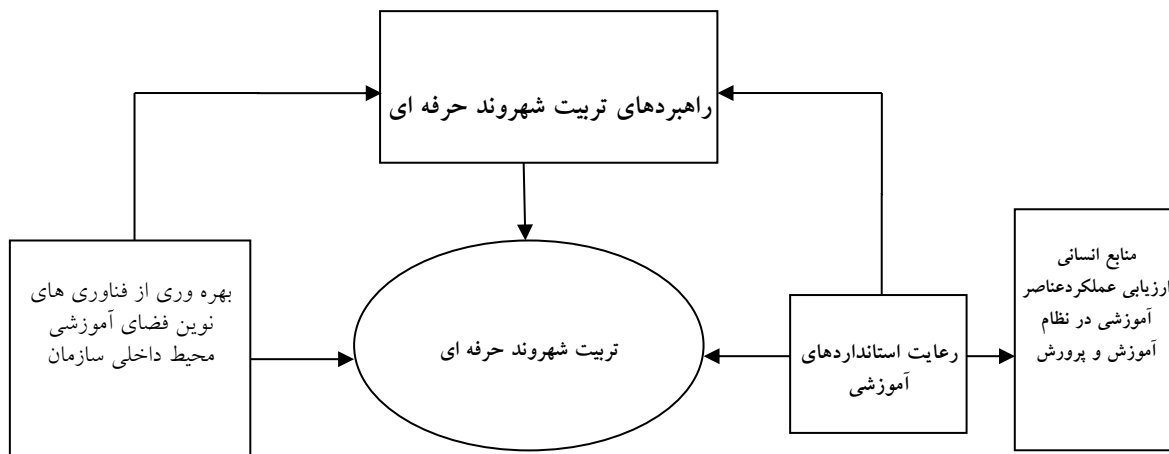
(۲۱). استراوس در مرحله کدگذاری محوری از چند اقدام اصلی بحث کرده که در فهرست ذیل نشان داده شده است (۲۲). این فهرست اقدامات اصلی کدگذاری محوری است. بیان کردن ویژگی‌های یک مقوله و ابعاد آن‌ها، اقدامی که حین کدگذاری باز آغاز شده است. شناسایی شرایط گوناگون، کنش یا برهم‌کنش‌های گوناگون و پیامدهای گوناگون مربوط به یک پدیده. ربطدهی یک مقوله با زیر مقوله‌هایش، از طریق گزاره‌هایی



نمودار ۱. کدگذاری محوری براساس مدل تکمیلی

توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد.

همان گونه که گفته شد، هدف نظریه پردازی بنیادی، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارایه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و



نمودار ۲. مدل شاخص‌های تربیت شهروند حرفه‌ای

## نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش انجام شده است. پژوهش ارائه شده دارای مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و عوامل اثرگذار بر نظام آموزش و پرورش می‌باشد. یکی از مسائل اساسی برای اغلب کشورها و صاحب‌نظران خصوصیات و ویژگی‌های شهروند مطلوب یا شهروند حرفه‌ای می‌باشد. با توجه به شرایط کنونی در سازمان‌های آموزشی از جمله آموزش و پرورش وجود برنامه‌های منسجم برای تربیت شهروند حرفه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. توجه به شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش و نظام آموزشی از الزامات برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز آموزش و پرورش است. در نتیجه این هدف، این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش خراسان رضوی بوده است نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های شناسایی شده از جامعیت خوبی برخوردار است در صورتی که نیروی انسانی سازمان آموزش و پرورش از دانش، مهارت و نگرش مناسب برخوردار باشند، می‌توان آن‌ها را به-عنوان عاملان پیشرفت و مسبب بالندگی دانش‌آموزان و کل سازمان دانست. نیروی انسانی باید نگرشی دموکراتیک داشته باشند و بتوانند از فناوری اطلاعات به نحو مقتضی استفاده کنند. علاوه بر این، نیروی انسانی، عامل مهمی مانند مدیران را در سازمان آموزش و پرورش در بر می‌گیرد که تعهد و پاسخ‌گویی و همچنین، حمایت آن‌ها از سازوکارهای سازمانی، تربیت شهروند حرفه‌ای را در این سازمان تسهیل می‌نماید. از عوامل اثرگذار در سازمان آموزش و پرورش که بر تربیت شهروند حرفه‌ای مؤثر است، عامل معیارهای ارزیابی است. این معیارها باید بر اساس میزان کسب دانش، تغییر شیوه تفکر و کسب مهارت‌های اجتماعی و تعاملات بین‌فردی باشد. اینکه تنها معیار ارزشیابی کسب دانش باشد، به تربیت شهروندی حرفه‌ای و توانمند نمی‌انجامد. تربیت شهروند حرفه‌ای مستلزم پیروی از روش‌های ارزشیابی نوین است. در این روش‌ها نیز، کسب مهارت اجتماعی و توانایی تعامل و برقراری ارتباط با دیگران از اولویت برخوردار است.

با توجه به پژوهش حاضر و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه می‌توان اظهار کرد که در خصوص میزان اثرگذاری، عامل مکانیزم‌های تربیت شهروند حرفه‌ای راهبردهای تربیت شهروند حرفه‌ای بیشترین تأثیر را بر تربیت شهروند حرفه‌ای آموزش و پرورش دارد.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش یزدانی و همکاران و جهان و همکاران هم‌سو است که سه بعد دانشی، نگرشی و توانشی

(مهارتی) را مهم‌ترین ابعاد تربیت شهروندی دانسته‌اند و به مؤلفه‌های ذیر اشاره دارند: مشارکت در امور، خودکنترلی، صبوری، امانت‌داری، تعادل رفتاری، رازداری، تلاشگری، وقت‌شناسی، همکاری کردن، رفاه و آسایش، منظم بودن، کار گروهی، استقلال مالی، اشتغال، برقراری ارتباط، حل مسأله، رعایت اصول بهداشتی، مهارت تصمیم‌گیری و معاشرت با دیگران که به ترتیب کمترین و بیشترین کد مفهومی را به خود اختصاص دادند (۱۶-۱۵). سینسر و همکاران معتقدند که درک معلمان و شیوه‌های تنوع در ارتباط با درک آن‌ها از نیازها و توانایی‌های دانشجویان است. با این حال، معلمان به‌ندرت، به تنوع در روابط عمیق ریشه‌دار، مانند نابرابری و روابط قدرت می‌اندیشند (۱۷). بروس و همکاران که دیدگاه آن‌ها در مورد ایده شهروند نامعلوم بوده است، به دنبال هماهنگی و تمایل به همسان‌سازی در روابط بوده‌اند و دیدگاه‌های قوم‌گرایانه، پدرسالاری و رستگاری در مورد "دیگر" را قبول دارند (۱۸). تاروک آموزش شهروندی: پرورش استعداد انتقادی برای انجام ارزش‌های جهانی در سطح ملی، تأکید می‌کند که آموزش و پرورش به برنامه‌ای نیاز دارد که به آموزگاران آموزش می‌دهد تا چگونه از طریق گفتگو در کلاس درس حمایت و تقویت یک فرهنگ انتقادی را ایجاد کنند و شهروندی را تربیت کنند که توانایی استفاده از تخیل و تفکر انتقادی خود را برای همکاری در یک جامعه چند فرهنگی داشته باشد (۲۰).

پیشنهادات در راستای تربیت شهروند حرفه‌ای در آموزش و پرورش: ۱- تدوین و تصویب برنامه شهروند حرفه‌ای برای رشته‌ها و مقاطع مختلف آموزش و پرورش ۲- تدوین و تصویب سرفصل‌ها منطبق بر مؤلفه‌های مدل. ۳- اجرای آزمایشی به کمک دفتر مطالعات و آموزش منابع انسانی پس از تصویب در آموزش و پرورش ۴- تهیه بسته‌های آموزشی (محتوا، راهنما، منابع و ابزار) توسط دفتر مطالعات و آموزش منابع انسانی جهت تربیت معلمان و دبیران.

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری و مساعدت رؤسای آموزش و پرورش خراسان رضوی و همه عزیزانی که در این پژوهش ما را یاری نموده‌اند، سپاس‌گزاری نمایند.

## References

1. Murray J. (2016). Educating Citizen Scholars: Interdisciplinary First-Year Seminars at the University of Guelph. In Universities, the Citizen Scholar and the Future of Higher Education (pp. 37-53). Palgrave Macmillan UK.
2. Johnson L & Paul M. (2010). "Toward a Framework for Critical Citizenship Education". *Curriculum Journal*; 121(1):7796.
3. Stoner KR, Tarrant MA, Perry L, Stoner L & et al. (2014). Global citizenship as a learning outcome of educational travel. *Journal of Teaching in Travel & Tourism* ; 14(2): 149-63.
4. Tajik Esmaili A. (2014). Urban Management, Education and Citizenship Culture, Tehran: Tisa Publishing.
5. Monafi Sharafabad K, Zamani A. (2012). The role of education system in the cultural development of society. *cultural engineering*; 7(73-4): 151-34.
6. Rashidi Z. (2017). Conceptualization of global citizenship according to Iranian higher education experts' point of views: a grounded theory approach. *IRPHE*; 23(2): 93-114.
7. Manouchehri A, Jafari F. (2014). "The Impact of Globalization on Citizenship Rights in Iran". *Two Scientific Quarterly*; (16): 7-136.
8. Sajedi A. (2016). Human Rights and Citizen Rights on the Opinion of the Middle Eastern Islamic States with Emphasis on the Iranian Constitution. *Political Science Quarterly*; 12(36): 41-59.
9. Ansari B. (2011). Human rights education. Tehran: Majd Publications.
10. Amid Zanjani AA, Tavakoli MM. (2007). Islamic human rights and the inherent dignity of man in Islam. *Private Law Studies*; 37(4).
11. Hartman E. (2009). Educating for Global Citizenship through Service-Learning: A Theoretical Account and Curricular Evaluation. Doctoral Dissertation, University of Pittsburgh.
12. Caruana V. (2014). Re-thinking global citizenship in higher education: From cosmopolitanism and international mobility to cosmopolitanisation, resilience and resilient thinking. *Higher Education Quarterly*; 68(1): 85-104.
13. Homana G, Carolyn B, Judith T. (2006). Assessing School Citizenship Education Climate. University of Maryland. circle working paper 48.
14. Sears HC, Kennedy CJ, Garrity PA. (2003). Macrophage-mediated corpse engulfment is required for normal *Drosophila* CNS morphogenesis. *Development*; 130(15): 3557-65.
15. Jahan J, Zanganeh Tabar S, Pak Seresht M. (2018). Presenting the Competency Model of Islamic Education of Students, Based on the Dimensions and Components of Citizenship Education from the Perspective of Experts; 12, 2018, 1045-66.
16. Yazdani F, Sharifi A, Imani MT. (2018). Identifying and Assessing the Status of Prerequisites and Consequences of Professional Citizen Education in the Education System: Presenting a Systemic Model, 12, 593-613.
17. Sincer I, Severiens S, Volman M. (2019). Teaching diversity in citizenship education: Context-related teacher understandings and practices. *Teaching and Teacher Education*; 78: 183-92.
18. Bruce J, North C, FitzPatrick J. (2019). Preservice teachers' views of global citizenship and implications for global citizenship education. *Globalisation, Societies and Education*; 1-16.
19. Boni A, Calabuig C. (2017). Education for global citizenship at universities: Potentialities of formal and informal learning spaces to foster cosmopolitanism. *Journal of Studies in International Education*; 21(1): 22-38.
20. Twarog K. (2017). Citizenship Education: Cultivating a Critical Capacity to Implement Universal Values Nationally [Kultivace kritického myšlení k implementaci univerzálních hodnot vnitrostátně]. *Sociální pedagogika/Social Education*; 5(1): 29-47.
21. Lee JD, Kraus P, Gaiano N, Nery S, Kohtz J & et al. (2001). An acylatable residue of hedgehog is differentially required in *Drosophila* and mouse limb development. *Dev. Biol*; 233(1): 122-36.
22. Strauss A, Corbin, J. (2012). Basics of qualitative research, techniques and stages of production of grounded theory, translated by Ebrahim Afshar, Ney Publishing.